

بررسی مقاومت اقتصادی بر فضای کسب و کار: مقایسه تطبیقی کشورهای اسکاندیناوی و منا*

وحید ارشادی^۱

استادیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده

مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه

فردوسی مشهد

حسین امیری^۲

استادیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی

دانشگاه خوارزمی

معصومه بارانی^۳

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۷

چکیده

با توجه به اثرات آسیب‌زا و بی‌ثبات‌کننده بحران‌ها و تکان‌ها بر فضای کسب و کار، در این مطالعه با استفاده از مدل‌های تابلویی و بهره‌گیری از داده‌های سالانه کشورهای اسکاندیناوی و منا در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۶، تأثیر شاخص‌های مقاومت اقتصادی در کنار سایر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص محیط کسب و کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مطالعه پس از انجام آزمون مانایی و سایر آزمون‌ها، مدل خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و برآورد ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت با استفاده از روش گروه میانگین ادغام شده (PMG) مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، برای کشورهای

*-نوع مقاله: پژوهشی

1- v.arshadi@um.ac.ir

2- H.amiri@khu.ac.ir

3- Masoumeh.Barani1368@Yahoo.Com

DOI: erd.v26i18.74595 /10.22067

اسکاندیناوی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، شاخص مقاومت اقتصادی بر شاخص فضای کسب و کار تأثیر مثبت و معنادار دارد، اما برای کشورهای منا در کوتاه‌مدت، شاخص مقاومت اقتصادی هیچ تأثیر معناداری بر شاخص فضای کسب و کار ندارد و در بلندمدت شاخص مقاومت اقتصادی بر شاخص فضای کسب و کار تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین در کشورهای مورد نظر به مرور زمان با افزایش مقاومت اقتصادی، باعث بهبود فضای کسب و کار می‌شود. بر همین اساس، شاخص مقاومت اقتصادی با کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد، زمینه مساعد شدن فضای کسب و کار را فراهم نموده و نقش مهمی در بهبود فضای کسب و کار این کشورها دارد.

کلیدواژه‌ها: مقاومت اقتصادی، فضای کسب و کار، بحران اقتصادی، کشورهای اسکاندیناوی و منا. طبقه‌بندی JEL: F29، F131، C23.

مقدمه

در طول چند دهه‌ی گذشته، بحران‌های مختلف اقتصادی در سطح جهانی رخ داده است که فضای اقتصادی و کسب و کار بسیاری از کشورها را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار داده است. لذا در پی بحران‌های مختلف، نوسانات شدید ایجاد شده و سپس حاکم شدن نااطمینانی‌ها بر اقتصاد، که منجر به ناامنی در سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فضای کسب و کار شده است. بحران‌ها و تکانه‌های اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۹، شوک قیمت نفت ۱۹۷۳، بحران آسیایی ۱۹۹۷ و بحران مالی ۲۰۰۷ همه بیان‌گر این است که بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان نیز در معرض بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی هستند و فضای اقتصادی و کسب و کار کشورهای کوچک نیز به واسطه‌ی وابستگی اقتصادی، سیاسی به کشورهای بزرگ تحت الشعاع آن بحران‌ها و تکانه‌ها قرار می‌گیرند. با افزایش ناگهانی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ (تکانه‌های اول و دوم نفتی)، آثار بسیار مهمی بر روی متغیرهای اقتصاد جهانی به وجود آورد. شاخص اقتصاد جهانی از GNP تا نرخ بیکاری در حوالی سال ۱۹۷۳ افت شدیدی را نشان داد (Abooniori et al., 1392).

با توجه به اینکه این بحران‌ها و تکانه‌ها قابلیت این را دارد که هر اقتصادی را از حالت تعادل خارج کند و عوامل اقتصادی آن را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند و از طرف دیگر منجر به سایر بحران‌های اجتماعی، سیاسی گردند، بر همین اساس، اقتصاددانان به دنبال تدابیری هستند تا از طریق ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی، اقتصادهای خود را مقاوم نمایند. بررسی اهداف شکل‌گیری

برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول^۱ نشان می‌دهد که این نهادها با هدف نوسان‌گیری و باثبات کردن اقتصاد جهانی به وجود آمده‌اند (Vaezi, 1388). به عنوان شاهد این مدعا ایجاد سامانه باثبات ارزی بین اعضا و پرهیز از رقابت در کاهش نرخ ارزها از اهداف به وجود آمدن صندوق بین‌المللی پول بوده است.

با توجه به انکارناپذیری بحران‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی و اثرات غیرقابل انکار آن بر اقتصاد و به ویژه فضای کسب و کار، اکثر کشورها افزایش مقاومت اقتصادی^۲ را در سطوح مختلف فردی، سازمانی، منطقه‌ای و ملی و در برابر تکانه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دستور کار خود قرار داده و به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات خود در نظر گرفته‌اند. آن‌ها با پیاده‌سازی راهبردهایی به افزایش هر چه بیشتر سطح مقاومت کشورشان در مقابل تکانه‌ها تلاش زیادی می‌کنند و مسیر و الگوی رشد و توسعه اقتصادی پایدار را با کمترین تنش فراهم می‌کنند (Simmiet and Martin, 2010, 28).

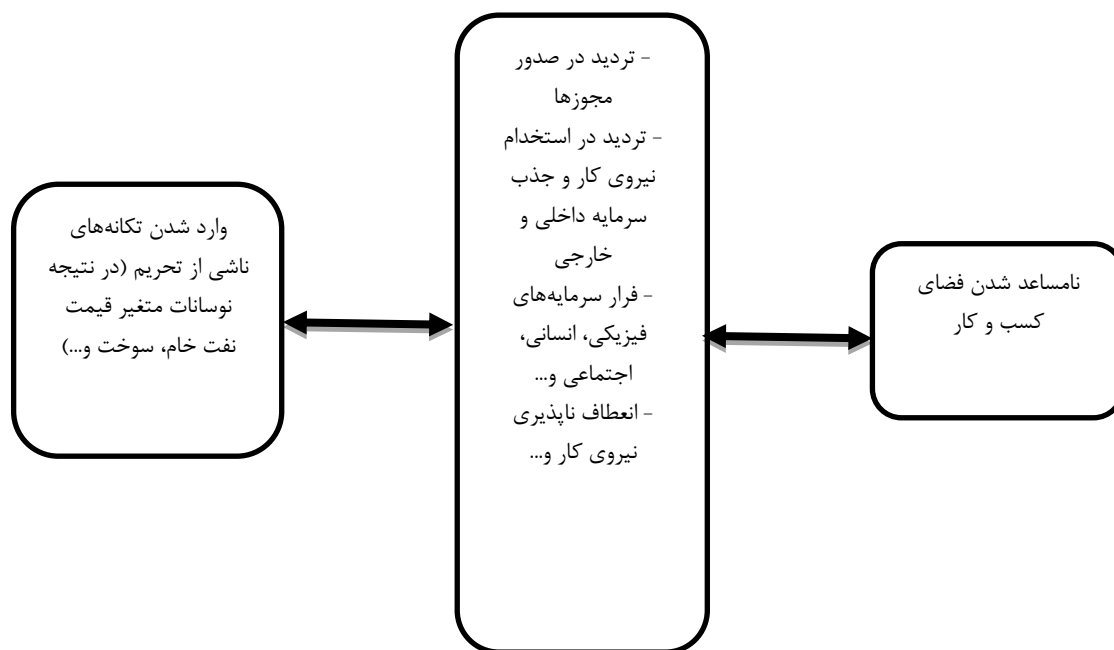
سابقه شکل‌گیری و گسترش بحران‌های اقتصادی و مالی در برهه‌های مختلف به‌ویژه تجربه وقوع بحران مالی - بانکی ۲۰۰۷ موجب شده کشورهای مختلف نسبت به استحکام و مقاوم‌سازی اقتصاد خود از درون تدابیری اتخاذ نمایند و طی سال‌های اخیر در ادبیات جهانی نیز مطالعات گسترده‌ای در خصوص تقویت انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی در برابر تکانه‌ها مطرح شده است (Stiglitz, 2010). شواهد تاریخی گواه این مدعا است که اکثر کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله اندونزی، کره جنوبی، مالزی، تایلند و فیلیپین در بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ با کاهش شدید تولید ناخالص داخلی به شدت آسیب دیدند، اما همین کشورها با اتخاذ سیاست‌های درست و تجربه گرفتن از بحران قبلی، اثرات بحران مالی ۲۰۰۷ بر اقتصادهای خود را ترمیم کرده و در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا توانستند بسیار زودتر از سایر کشورها به مسیر رشد خود برگردند (Jeasakul, et al, 2014).

مقاوم‌سازی اقتصاد به معنی توانایی بازیابی و تعدیل اثرات منفی شوک‌های اقتصادی خارجی است (Briguglio et al, 2013). اقتصادی مقاوم است؛ که با تحریکات جهان، با تکانه‌های جهانی

1- IMF

2- Economic Resistance

تحت تأثیر زیادی قرار نمی‌گیرد و با توجه به همه قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی، سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد. طبق تعریف فوق می‌توان انتظار داشت، که با وجود اقتصادی مقاوم در برابر هرگونه شوک و بحران، به‌طور همه‌جانبه بر کل اقتصاد به ویژه بر فضای کسب و کار تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت. به‌طوری که هرگونه ناامنی و عدم اطمینان کسب و کار را کاهش و زمینه رونق کسب و کار را ایجاد می‌کند و با وجود مقاومت اقتصادی زمینه بهبود فضای کسب و کار را فراهم می‌کند.



نمودار (۱). اثرات متقابل بحران‌ها و تکانه‌ها بر نامساعد شدن فضای کسب و کار

انتظار می‌رود شوک‌های وارده به فضای کسب و کار از کانال‌های مختلفی همچون مردم شدن نهادها برای مجوزهای لازم، سخت‌گیر شدن بنگاه‌ها برای استخدام کارگران، انعطاف ناپذیری تحرک نیروی کار و... به اقتصاد ضربه بزنند. به‌طوری که نامساعد شدن فضای کسب و کار منجر به رشد اقتصادی ناپایدار و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود (Boroumand, 2008: 11) و از طرف دیگر انتظار می‌رود شاخص‌های اقتصادی هم رشد مطلوب خود را تجربه کرده و محیطی امن برای

سرمایه گذاران داخلی و خارجی ایجاد شود و هم باعث انگیزه سرمایه گذاران و تولیدکنندگان داخلی به فعالیت اقتصادی گردد. این موضوع در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است. بدین صورت مساعد شدن فضای کسب و کار علاوه بر ورود سرمایه به کشور باعث تکاپوی فعالان اقتصادی و در نهایت پیشرفت و مقاوم شدن اقتصاد کشور می شود (Bakhtiari and Shayesteh, 2012: 176).

در صورت نبود مقاومت اقتصادی و وجود شوک های ایجاد شده، مسیر رشد اقتصاد به خطر می افتد و باعث نامساعد شدن محیط کسب و کار می شود. به طوری که این وضعیت نامساعد فضای کسب و کار از شکل گیری فعالیت های سالم اقتصادی جلوگیری و هزینه بالایی را بر اقتصاد ملی تحمیل می کند. همچنین عدم توجه به وضعیت کسب و کار، می تواند امنیت اقتصادی و ملی را تهدید کند و به دنبال آن سطح مقاومت اقتصادی کاهش می یابد. بنابراین می توان دریافت که فضای کسب و کار و مقاومت اقتصادی ارتباط دو سویه دارند. به طوری که تبیین جایگاه فضای کسب و کار کمک می کند سیاست گذاران و برنامه ریزان اقتصاد در تدوین و ایجاد مقاومت اقتصادی، انتخاب درستی داشته باشند. بدین منظور دستیابی به مقاومت اقتصادی جهت حرکت اقتصاد ملی به سوی رشد پایدار در بلندمدت و تحقق اقتصاد پویای دانش محور به جای اقتصاد منابع محور، بهره گیری از تمامی فرصت ها، مهار تهدیدها و اهتمام بر تولید محوری و اشتغال عمومی است. از این رو بهبود فضای کسب و کار با کاهش موانع ورود به چرخه تولید، کاهش فساد اداری، حضور گسترده بخش خصوصی، تقویت اقتصاد رسمی، فعالیت در بخش مولد، امنیت سرمایه گذاری و امنیت اقتصاد ملی را به دنبال خواهد داشت.

نمودار شماره (۲) به تشریح مدل مفهومی ارتباط بین فضای کسب و کار و مقاومت اقتصادی می پردازد. رهیافت مقاومت اقتصادی با نگاهی آینده نگارانه می تواند اقتصاد ملی را با حضور و مشارکت فعال مردمی از انواع هجوم های داخلی و خارجی مصون نگاه دارد و اقتصاد را به سوی رشد و شکوفایی در بلندمدت هدایت کند. می توان با شناخت سطح مقاومت در رفتار مردم، برنامه ریزی و دوراندیشی جهت تبیین سیاست های متناسب برای گذر از بحران ها و چالش های سیاسی و اقتصادی، آثار منفی آسیب پذیری ناشی از شرایط خارجی را به حداقل ممکن کاهش داد. به عبارت دیگر، اساس مقاومت اقتصادی در بلندمدت با کنترل آثار منفی نوسانات و چالش های سیاسی موجب تأمین امنیت اقتصادی، ثبات اقتصادی و ایجاد حس اطمینان برای

سرمایه‌گذاران و طرح‌های اجرایی بخش خصوصی می‌گردد. توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی و بهبود عملکرد هر کشوری در فضای کسب‌وکار، سرمایه را به بدنه تولید داخلی تزریق کرده و مانع از حضور فعالان اقتصادی در فعالیت‌های واسطه‌گری و غیرمولد خواهد شد.

در مورد بهبود فضای کسب‌وکار پژوهش‌های مختلفی به قلم تحریر درآمده است که بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری یا رشد اقتصادی و ... بر بهبود فضای کسب‌وکار پرداخته است، اما تاکنون در هیچ پژوهشی علاوه بر متغیرهای کلان اقتصادی، تأثیر مقاومت اقتصادی بر بهبود فضای کسب‌وکار بررسی نشده است. علاوه بر آن، موضوع پژوهش در دو گروه کشورهای مورد مطالعه انجام شده که تا به حال بررسی نشده است. دو گروه کشور شامل کشورهای اسکاندیناوی (کشورهایی با فضای کسب‌وکار مناسب و سطح بالای مقاومت اقتصادی بالا) و کشورهای منا (کشورهایی با فضای کسب‌وکار متوسط و سطح مقاومت پایین) است. لذا هدف این پژوهش مقایسه این گروه کشورها با یکدیگر از نظر فضای کسب‌وکار، مقاومت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی است.

بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر میزان مقاومت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر بهبود فضای کسب‌وکار با استفاده از مدل داده‌های تابلویی برای کشورهای اسکاندیناوی^۱ و منای^۲ طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۰ پرداخته می‌شود. داده‌های این تحقیق با تواتر سالانه از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک جهانی اتخاذ شده است.

پژوهش حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. بخش دوم به مبانی نظری فضای کسب‌وکار و مقاومت اقتصادی اختصاص دارد. در ادامه پیشینه تحقیق بررسی شده است. سپس به ارائه مدل تحقیق و نتایج آن پرداخته شده است. در بخش پایانی مقاله به جمع‌بندی و ارائه راهکارهایی جهت تقویت مقاومت اقتصادی و سایر متغیرهای معنادار بر بهبود فضای کسب‌وکار پرداخته شده است.

۱- سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایسلند.

۲- امارات، ایران، عراق، عمان، کرانه باختری، عربستان، یمن، لبنان، الجزایر، بحرین، تونس، مصر، اسرائیل، کویت، لیبی، مالت، مراکو و اردن



نمودار (۲). الگوی مفهومی ارتباط سهولت فضای کسب و کار و تحقق اهداف مقاومت اقتصادی

مبانی نظری

در دهه ۹۰ میلادی اهمیت «فضای کسب و کار» به عنوان حلقه ارتباطی فضای خرد و کلان اقتصادی در ادبیات اقتصادی مطرح شد (Damankeshideh, 2012: 82). شاخص بهبود یا سهولت فضای کسب و کار به دلیل ماهیت شکل‌گیری دارای رویکرد جدید و منحصر به فردی است که با عنوان شاخص «سهولت فضای کسب و کار»^۱ از سال ۲۰۰۳ در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت. دستور در طرح مفهوم فضای کسب و کار و سیاست‌گذاری برای رفع موانع بخش خصوصی به عنوان راهبرد اصلی توسعه اقتصادی بیش از همه اقتصاددانان نقش داشته است. دستور بر خلاف عموم اقتصاددانان کمبود پس‌انداز را علت توسعه‌نیافتگی نمی‌داند. تفاوت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تنها در یک چیز است؛ بیشتر مردم کشورهای در حال توسعه صاحب دارایی هستند، اما فرآیندی ندارند که مالکیت آنها را نشان داده و سرمایه ایجاد کند. دستور نشان داد که مجموعه شرایط اداری و حقوقی کشورهای در حال توسعه، امکان انباشت سرمایه و به‌کارگیری آن در فعالیتهای مولد را بسیار محدود ساخته است. فضای نامناسب سرمایه‌گذاری و کسب و کار در این کشورها از یک سوء بخش عمده‌ای از کارگزاران اقتصادی را به سوی بخش غیررسمی سوق داده و از سوی دیگر امکان رشد فعالان بخش رسمی را بسیار محدود ساخته است (De Soto, 2000). محیط کسب و کار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها در تلاش برای بهبود آن هستند (Bakhtiyari and Shayesteh, 2012: 182). مجموعه شاخص‌های ده‌گانه سهولت کسب و کار، شامل مقرراتی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار (از زمان شکل‌گیری تا انحلال) را متأثر می‌سازد، به شرح زیر است:

- ۱- شروع کسب و کار (فرآیند ثبت شرکت) ۲- اخذ مجوزها (تمامی فرآیند لازم‌الرعايه از اخذ مجوز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه را شامل می‌شود) ۳- استخدام و اخراج نیروی کار ۴- ثبت مالکیت (فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی است) ۵- اخذ اعتبار ۶- حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران) ۷- پرداخت مالیات ۸- تجارت فرامرزی ۹- انحلال یک فعالیت ۱۰- الزام آور بودن قراردادها (Lotfinia, 2012: 4). متغیرهای کلان اقتصادی متعددی می‌توانند فضای

کسب و کار را تحت تأثیر قرار دهند که در این پژوهش متغیرهایی از جمله سرمایه داخلی، سرمایه-گذاری خارجی، تولید سرانه و تورم در نظر گرفته شده است. در صورتی که شرایط مناسب کسب و کار مهیا شود و کسب و کارها رونق یابند، زمینه جذب سرمایه ایجاد می‌شود. لذا با به کارگیری صحیح سرمایه داخلی در جهت ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و تأمین منابع مالی کسب و کارهای نوپا باعث بهبود هر چه بیشتر فضای کسب و کار می‌شود. لذا در این صورت فعالان اقتصادی شروع به فعالیت اقتصادی می‌کنند و باعث حرکت سرمایه داخلی به بخش تولید و رشد تولید داخلی می‌شود. همچنین تورم کاهش یافته و سطح مقاومت اقتصادی آن کشور بالا می‌رود و همین باعث جلب توجه سرمایه‌گذاران خارجی و انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری در آن کشور می‌شود و حجم ورود سرمایه افزایش می‌یابد. به این ترتیب چرخه مساعد شدن فضای کسب و کار تکرار می‌شود. بنابراین توجه و ارتقای متغیرهای کلان اقتصادی زمینه بهبود فضای کسب و کار و افزایش سطح مقاومت اقتصادی را ایجاد می‌کند.

بر همین اساس، مقاومت اقتصادی را می‌توان به صورت «توانایی یک منطقه برای بهبود شوک-هایی که اقتصاد را از مسیر رشد خارج می‌کند یا عامل بالقوه آن را از بین می‌برد»، تعریف کرد (Smith and Martin, 2010, 30). همچنین مفاهیم مختلفی از مقاومت اقتصادی وجود دارد از جمله: تاب‌آوری، آسیب‌پذیری و به عنوان نزدیک‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم به مقاومت اقتصادی است. اقتصاد مقاوم، اقتصادی است که با در نظر گرفتن مفاهیم مذکور، تاب‌آوری‌اش بالا و شکنندگی و آسیب‌پذیری آن اندک باشد (Piqami et al., 2016, 14). در ادامه مطالب به تفصیل به مفاهیم مختلف مقاومت اقتصادی که شاخص‌های آسیب‌پذیری و تاب‌آوری است، پرداخته می‌شود. این شاخص‌ها بر اساس الگوی بریگو گلیو^۱ (۲۰۰۸) تبیین می‌شود. شاخص مقاومت اقتصادی از دو شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری تشکیل شده است. در ادامه ابتدا به بررسی شاخص آسیب‌پذیری پرداخته و نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان در این مورد تبیین می‌شود.

شاخص آسیب‌پذیری

واژه آسیب‌پذیری برگرفته از واژه لاتین Vulnerary به معنای مجروح کردن است که در معرض آسیب قرار گرفتن و تزلزل و ناپایداری معنی می‌دهد. یکی از مسائلی که درباره آسیب‌پذیری مطرح است، رابطه اندازه کشورها با میزان آسیب‌پذیری آن‌هاست. محققان در این زمینه دریافتند که کشورهای کوچک در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به کشورهای بزرگ هستند (Atkins et al., 2000, 40). این مسئله باعث می‌شود درک و تعریف مناسب از آسیب-پذیری برای کشورهای کوچک بسیار ضروری و مهم باشد (Bishop, 2012, 19).

دیدگاه‌های مختلفی در مورد آسیب‌پذیری اقتصادی وجود دارد، به‌عنوان مثال Briggieio (2003) و Atkins et al. (2000) شواهد تجربی در مورد آسیب‌پذیری اقتصادی نشان می‌دهد، که دولت‌های کوچک، به ویژه جزایر، از لحاظ اقتصادی نسبت به گروه‌های دیگر آسیب‌پذیرتر هستند، به دلیل این که بیشترین میزان باز بودن اقتصادی و درجه بالایی از تمرکز صادرات دارند. این دلایل منجر به قرار گرفتن در معرض شوک‌های خارجی می‌شود که می‌تواند منعکس‌کننده خطر در فرآیندهای رشد اقتصادی می‌باشد.

شاخص‌های آسیب‌پذیری الگوی بریگوگلیو

Briggieio and Galli (2003) شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را ارائه کرده بودند. شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را در شاخصی با عنوان «شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی تعدیل شده برای تاب‌آوری» به مفهوم تاب‌آوری مرتبط کردند. شاخص‌های آسیب‌پذیری بریگوگلیو به شرح ذیل است؛ که در این پژوهش از شاخص‌های ذیل برای شاخص آسیب‌پذیری بکار گرفته شده است.

- باز بودن اقتصاد
- تمرکز صادرات
- وابستگی به واردات راهبردی

دهه‌های اخیر، اقتصاددانان با توجه به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی نسبت به شوک‌های اقتصادی ادبیاتی مشابه مقاومت اقتصادی شکل داده‌اند که از آن با عنوان اقتصاد تاب‌آوری یاد شده است. در این بررسی‌ها، شاخص‌های آسیب‌پذیری کشورها نسبت به شوک‌های برون‌زا به‌طور عمده به دو عامل مهم درجه بالای باز بودن اقتصادی و تمرکز صادراتی بالا نسبت داده شده است.

(Briguegelo et al., 2006, 54).

درجه بالای باز بودن اقتصاد به معنای بالا بودن سهم مجموع صادرات و واردات از کل تولید ناخالص داخلی است. هرچند باز بودن درهای اقتصاد یک کشور بر روی تجارت خارجی نشانه قدرت اقتصادی یک کشور است، این سیاست باعث افزایش آسیب پذیری آن می شود. زیرا کشورهای با اقتصاد باز، در معرض سطح بالایی از شوک ها قرار دارند، شوک هایی که تقریباً هیچ کنترلی بر روی آن ندارند (Briggiovi et al., 2008, 55). درجه بالای تمرکز صادراتی نیز از عوامل مهم ایجاد آسیب پذیری اقتصادی است. وابستگی یک کشور به صادرات طیف محدودی از کالاها و خدمات، برای یک کشور خطرناک است. این موضوع به ساختار تولیدی و توانمندی های اقتصادی هر کشور وابسته است (همان).

شاخص تاب آوری

یکی از روش های ارزیابی تاب آوری آن است که، کشور یا اقتصاد را در برابر مخاطره های جهانی یک سیستم در نظر می گیرند، که این سیستم می تواند دارای زیرسیستم باشد. انتخاب زیرسیستم ها و شاخص های سنجش هر زیرسیستم می تواند در قالب مدل های مفهومی تأییدی یا اکتشافی انجام گیرد (Lajevardi, 2016, 17).

تاب آوری، قابلیت بازگشت اقتصاد ملی یا منطقه ای در مواجهه با یک شوک برونزا (خارجی) به حالت پیشین با همان نرخ رشد ستانده^۱ جمعیت می باشد (Blanchard and koats, 1992, 24; Fryor et al., 2007, 45; Rose and Liu, 2005, 385).

شاخص تاب آوری بریگوگلیو و همکاران

Briguegelo et al (2006) از دانشگاه مالتا نخستین افرادی بودند که شاخص تاب آوری اقتصادی را ارائه دادند. آن ها مطرح کردند که شاخص ساده تاب آوری، تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) است؛ زیرا این متغیر توانایی کشور برای مقابله با آسیب پذیری را در بر می گیرد. فرض اصلی در ساخت شاخص تاب آوری مطالعات بریگوگلیو این است که تاب آوری

(عناصر جذب‌کننده شوک و اقدام مقابل شوک) در یک اقتصاد می‌تواند در حوزه‌های زیر وجود داشته باشد:

- ثبات یا پایداری اقتصاد کلان
- کارایی بازار اقتصاد خرد
- حکمرانی خوب
- توسعه اجتماعی

جدول (۱). وضعیت سه گروه کشورهای مورد نظر از لحاظ شاخص سهولت کسب‌وکار ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷

تغییرات رتبه کسب‌وکار در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۷	رتبه کسب‌وکار در سال ۲۰۱۷	رتبه کسب‌وکار در سال ۲۰۱۶	کشور	گروه کشورهای منتخب
۰/۴۸ ↑	۸۲،۱۳	۸۱،۶۱	سوئد	اسکاندیناوی
۰/۷۹ ↑	۸۲،۸۲	۸۲،۳	نروژ	
۰/۲ ↑	۸۴،۸۷	۸۴،۸۵	دانمارک	
۰/۱ ↓	۸۰،۸۴	۸۰،۸۵	فنلاند	
۰/۳ ↑	۷۸،۹۱	۷۸،۸۸	ایسلند	
۰/۵۸ ↑	۷۴،۸۳	۷۴،۲۵	امارات	منا
۰/۱۸ ↑	۵۷،۲۶	۵۷،۰۸	ایران	
۱/۳۸ ↑	۴۵،۶۱	۴۴،۹۹	عراق	
۲/۸ ↑	۶۷،۷۳	۶۵،۶۵	عمان	
۱/۲۲ ↑	۶۱،۱۱	۶۰،۳۳	عربستان	
-۰/۳۵ ↓	۳۹،۵۷	۳۹،۹۲	یمن	
-۱/۱ ↓	۵۵،۹	۵۶،۰۸	لبنان	
۲/۱۲ ↑	۴۷،۷۶	۴۵،۸۸	الجزایر	
۲/۶ ↑	۶۸،۴۴	۶۶،۳۸	بحرین	
۱/۳ ↑	۶۴،۸۹	۶۳،۹۱	تونس	
۱/۴۶ ↑	۵۶،۶۴	۵۵،۱۸	مصر	
-۱/۴۳ ↓	۵۹،۵۵	۶۰،۱۲	کویت	
-۰/۱۴ ↓	۳۳،۱۹	۳۳،۳۳	لیبی	
۳/۵۱ ↑	۶۵،۰۱	۶۲،۵۲	مالت	
۰/۱ ↑	۵۷،۳	۵۷،۰۲	اردن	

منبع: www.doing-business.org

تمام این حوزه‌ها دارای متغیرهایی هستند که توسط سیاست‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و می‌توانند برای ایجاد تاب‌آوری اقتصادی به منظور مقابله با عواقب ناشی از شوک‌های نامطلوب به کار روند. به طور کلی، متغیرهایی که باعث می‌شود شامل (۱) عوامل اقتصادی و (۲) عوامل اجتماعی-سیاسی می‌شود.

با توجه به جدول شماره (۱)، تغییرات وضعیت شاخص فضای کسب و کار در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد که شاخص‌های فضای کسب و کار در چه جایگاهی قرار دارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کشورهای منتخب مورد مطالعه، در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۷ از لحاظ رتبه فضای کسب و کار بهبود یافته است.

پیشینه پژوهش

مقاومت اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار موضوعی است که در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در داخل و خارج کشور پیرامون بحث فضای کسب و کار و شاخص‌های مقاومت اقتصادی از جمله رشد اقتصادی انجام شده است. در این قسمت به بیان برخی از این مطالعات پرداخته می‌شود.

Rose (2004) در مطالعه‌ای با به کارگیری مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، تاب‌آوری اقتصادی آب منطقه پورتلند در ایالت اورگان آمریکا در برابر زمین لرزه شبیه سازی شده با پیش فرض ۶٫۱ ریشتر و با قطعی آب برای مدت ۳ تا ۹ هفته قبل و بعد از بازسازی برآورد شده است. وجود یک مکانیزم قیمتی در شرایط بحرانی می‌تواند در افزایش تاب‌آوری اقتصادی مؤثر باشد.

Briggieio et al. (2008) در مطالعه‌ای با به کارگیری یک مدل سیستمی و با استفاده از یک شاخص ترکیبی، تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی ۸۶ کشور در برابر بحران مالی در دوره مالی ۲۰۰۱-۲۰۰۳ در مؤلفه آسیب‌پذیری شده است. بر اساس دو مؤلفه آسیب‌پذیری ذاتی و میزان تاب‌آوری، کشورها به چهار دسته ۱- بدترین مورد (آسیب‌پذیری ذاتی بالا و تاب‌آوری پایین) ۲- بهترین مورد (آسیب‌پذیری ذاتی پایین و تاب‌آوری بالا) ۳- خودساخته (آسیب‌پذیری ذاتی بالا و تاب‌آوری بالا) و ۴- پسر و لخرج (آسیب‌پذیری ذاتی پایین و تاب‌آوری پایین) تقسیم شده‌اند. پاکستان و بنگلادش دارای آسیب‌پذیری و تاب‌آوری پایین (پسر و لخرج) می‌باشند. کاستاریکا،

استونی، مالزی و چین خودساخته هستند. کشورهای توسعه یافته مانند استرالیا، کانادا، فرانسه، ژاپن و آلمان دارای آسیب‌پذیری ذاتی پایین و تاب‌آوری بالا (بهترین مورد) می‌باشند.

Hosseini and Fahimifar (2011) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش توسعه نظام مالی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی» با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۶ به این نتایج دست یافته‌اند که بهبود شرایط مالی و فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی مؤثر می‌باشند به گونه‌ای که با افزایش یک درصد در حجم دارای‌های بانکی و اعتبارات بانکی، به ترتیب ۰/۳۹ و ۰/۱۱ درصد به رشد اقتصادی کشورها افزوده می‌گردد.

Shahab (2012) مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأثیر کیفیت محیط کسب و کار بر میزان وابستگی اقتصادی: یک تحلیل تجربی در چارچوب مفهوم اقتصاد مقاومتی" به بررسی کیفیت محیط کسب و کار با استفاده از داده‌های تابلویی برای ایران و منتخبی از کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک طی دوره سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۱ پرداخته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد، که تأثیر مثبت کیفیت بهتر محیط کسب و کار در افزایش صادرات غیرنفتی کشورهای منتخب و بنابراین در کاهش درجه وابستگی اقتصادی و آسیب‌پذیری آنها مورد تأیید است. در بخش انتهایی نیز بر مبنای نتایج تحلیلی به دست آمده، بیش از ۱۹ توصیه سیاستی در راستای طراحی و تقویت ساختار اقتصادی کشور بر مبنای ایده اقتصاد مقاومتی پیشنهاد شده است.

Ebrahim Haider (2012) پژوهشی با عنوان «تأثیر اصلاح مقررات گذاری کسب و کار بر رشد اقتصادی» به بررسی رابطه اصلاح مقررات گذاری فضای کسب و کار و رشد اقتصادی در ۱۷۲ کشور جهان در دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، که اصلاحات فضای کسب و کار ارتباط مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی کشورها دارد. همچنین عنوان می‌کند که به طور میانگین، هر اصلاح مقررات گذاری کسب و کار با ۰/۱۵ درصد افزایش نرخ رشد در تولید ناخالص داخلی همراه است.

Lotfinia et al. (2012) با توجه به اهمیت شاخص فضای کسب و کار به تحلیل اثر شاخص فضای کسب و کار در رشد اقتصادی ۹۸ کشور منتخب از کشورهای در حال توسعه با استفاده از روش داده‌های تلفیقی در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده با استفاده از روش اثرات تصادفی نشان می‌دهد، که شاخص فضای کسب و کار در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منتخب، تأثیر مثبت و معناداری دارد.

Makian et al. (2013) پژوهشی با عنوان «فضای کسب و کار، راهبرد رشد؛ مقایسه کشورهای اسلامی منطقه منا و سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی» به بررسی بهبود سهولت کسب و کار جهت رشد اقتصادی را در دو منطقه اقتصادی جهان یعنی کشورهای اسلامی منطقه منا و منطقه سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی پرداخته اند. این پژوهش تأثیر مهم ترین عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار؛ یعنی شاخص های سهولت شروع کسب و کار، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه گذار، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی و اجرای قراردادها را در دو منطقه مذکور طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ با استفاده از روش رگرسیونی داده های تابلویی ارزیابی قرار داده اند. با توجه به نتایج به دست آمده و همچنین وضعیت نسبتاً مطلوب فضای کسب و کار در منطقه سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، لازم است کشورهای اسلامی منطقه منا برای بهبود در فضای کسب و کار شاخص های تجارت فرامرزی و اخذ اعتبار را در سیاست گذاری های اقتصادی خود مورد توجه ویژه قرار دهند.

Boreran et al. (2013) در مطالعه ای با استفاده از شاخص ترکیبی و با به کارگیری ۱۰ مؤلفه و ۵۲ متغیر، تاب آوری ۵ گروه از کشورهای توسعه یافته (۳۰ کشور)، مستقل المنافع (۸ کشور)، اروپای مرکزی و شرقی (۱۳ کشور)، در حال توسعه آسیایی (۱۴ کشور)، شمال و شرق میانه آفریقا (۱۳ کشور)، جنوب صحرائ آفریقا (۲۷ کشور)، و نیمکره غربی (۲۳ کشور) در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۷ برآورد شده است. نتایج نشان می دهد، تاب آوری کشور عربستان طی سال های مطالعه رو به افزایش بوده است، اما شاخص تاب آوری سایر کشورهای منتخب عضو اوپک (اکوادور، نیجریه و ونزوئلا) نوسانی می باشد. همچنین نتایج برآورد شاخص تاب آوری به تفکیک مؤلفه ها برای سال ۲۰۰۷ (قبل از شوک مالی) نشان می دهد که نقاط قوت تاب آوری عربستان سعودی مربوط به مؤلفه های سیاست مالی، سیاست پولی، سلامت بانکی، تنوع صادرات، استحکام صادرات و ذخایر بوده است. نقاط قوت تاب آوری نیجریه مربوط به مؤلفه های سیاست مالی، اثر بخشی دولت، سلامت بانکی، استحکام صادرات، اندک بودن بدهی خارجی خصوصی و ذخایر بوده است.

Davari et al. (2014) مقاله ای با عنوان «سیاست های کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی بر اساس الگوهای محیط کسب و کار» به بررسی توسعه کارآفرینی و بهبود کسب و کار در ایران پرداخته اند. مطالعات بانک جهانی نشان داده است که بین محیط مساعد کسب و کار و توسعه

کارآفرینی رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد در مجموع سیاست‌های کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی وضعیتی بازدارنده داشته و به بهبود نیاز دارد.

Ghyythwand et al. (2014) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی میزان تاب‌آوری اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۲» با استفاده از مطالعات بریگو گلیو و بورمن به بررسی میزان تاب‌آوری برای کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۵ پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که تاب‌آوری اقتصاد ایران طی دوره مورد بررسی تا سال ۱۳۸۳ روند افزایشی داشته ولی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ روند نزولی داشته است. پایین بودن تاب‌آوری اقتصاد ایران نشانگر آن است که در صورت بروز شوک خارجی از یک سو آسیب بالایی به اقتصاد وارد می‌کند.

Batis et al. (2014) در مطالعه‌ای با استفاده از روش شاخص ترکیبی ساده، تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور سنگاپور برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد، تاب‌آوری سنگاپور بیشتر از آسیب‌پذیری آن است. تاب‌آوری سنگاپور ناشی از حکمرانی خوب دولت و مزایای ادغام در بازارهای جهانی است. آسیب‌پذیری سنگاپور ناشی از مؤلفه زیست‌محیطی، به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و تغییرات آب و هوایی است.

Bradyf et al. (2014) در مقاله‌ای به بررسی رابطه مقررات فضای کسب و کار و رشد اقتصادی برای ۱۶۲ کشور در دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۱ پرداختند. با استفاده از ده شاخص انجام کسب و کار و برای یک سری از متغیرهای کنترلی دریافته‌اند که ارتباطی بسیار قوی بین شاخص‌های کسب و کار به جز تجارت برون‌مرزی و اخذ مجوز ساخت‌وساز، با رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین یافته‌های آنها حاکی از آن است که سیاست‌ها در جهت بهبود مقررات کسب و کار به رشد سریع‌تر کشورهای فقیر می‌انجامد.

Taybie et al. (2015) مقاله‌ای با عنوان «سناریوی بهبود محیط کسب و کار و رشد تولید بخش‌های اقتصادی کشور در شرایط پسا تحریم» با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی پویا GMM طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ به بررسی نقش محیط کسب و کار و سایر عوامل اقتصادی در رشد اقتصادی ایران در دوره پس از لغو تحریم‌های اقتصادی و بر اساس سه سناریوی شاخص‌های بهبود کسب و کار پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که بهبود محیط کسب و کار و رشد سرمایه‌های داخلی و خارجی و ثبات بازار ارز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد بخش‌های اقتصادی ایجاد می‌کند.

Abonori (2015) در مطالعه‌ای تحت عنوان «برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی به روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک» با استفاده از روش حداکثر راستنمائی به برآورد شاخص‌های آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی کشورهای عضو اوپک دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۴ پرداخته‌اند. است. آسیب‌پذیری از ویژگی‌های ساختاری است که منجر به افزایش نقاط ضعف اقتصاد در برابر شوک‌های برونزا می‌شود. تاب‌آوری اقتصادی نیز به توانایی سیاستی یک اقتصاد برای مقاومت در برابر شوک و میزان بازیابی پس از شوک اطلاق می‌شود. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای عراق، آنگولا، لیبی و نیجریه دارای آسیب‌پذیری بالا و امارات، قطر، کویت و عربستان سعودی دارای آسیب‌پذیری پایین‌تری هستند. رتبه ایران در شاخص خالص تاب‌آوری و در میان ۴۱ کشور عضو اوپک برابر ۶ برآورد شده است.

Lajevardi et al. (2015) در مطالعه‌ای تحت عنوان «برآورد شاخص تاب‌آوری اقتصادی در ایران و ارائه راهکارهای بهبود» به بررسی تاب‌آوری اقتصادی و شناسایی شاخص‌های سنجش آن در کشور ایران برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۱ پرداخته‌اند. برای محاسبه تاب‌آوری اقتصادی، از چهار عامل پایداری اقتصاد کلان، کارایی بازار در اقتصاد خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی و زیست‌محیطی استفاده نموده است. نتایج نشان می‌دهند که شاخص تاب‌آوری در سال ۱۳۹۱ دارای کمترین و در سال ۱۳۷۹ دارای بیشترین مقدار بوده است، پایین بودن شاخص تاب‌آوری اقتصادی، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که شاخص تاب‌آوری اقتصادی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، ارتباط مستقیمی دارد.

Benefitsad et al. (2016) مقاله‌ای با عنوان «تبیین الگوی بهبودساز و کسب و کار» به بررسی فضای کسب و کار با استفاده از روش ساختاری (SEM) و نرم افزار LISREL و SPSS در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۳ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، حمایت مدیریت ارشد، چشم‌انداز کسب و کار و کیفیت تخصص عوامل خارجی رابطه مثبت و معناداری با برنامه‌ریزی منابع سازمان دارند؛ همچنین بین برنامه‌ریزی منابع سازمان و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

Jamshidi et al. (2017) به بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بهبود فضای کسب و کار گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد محسوب می‌شود. به عبارت دیگر در صورت

عدم وجود بسترهای مناسب به منظور تسهیل در فرآیند سرمایه‌گذاری، اقتصاد با مشکل مواجه خواهد شد.

Scalars et al. (2017) به بررسی «تمرکززدایی مالی و کیفیت نهادی در محیط کسب‌وکار» با استفاده از داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که عدم تمرکز مالی، محیط کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد و تأثیر آن در کشورهای کم درآمد قوی‌تر است.

با توجه به مطالعات انجام شده وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های صورت گرفته بدین صورت است که بررسی‌های مختلفی با دیدگاه‌های گوناگون در مورد چگونگی ارتباط محیط کسب‌وکار با متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و ... انجام شده است. همچنین مطالعاتی در مورد شاخص مقاومت اقتصادی از جمله آسیب‌پذیری و تاب-آوری صورت پذیرفته است. در پژوهش حاضر به ارتباط فضای کسب‌وکار بر شاخص مقاومت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی در دو گروه کشور اسکاندیناوی و منا پرداخته شده است.

روش پژوهش و نتایج تحقیق

این پژوهش با استفاده از مدل داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر مقاومت اقتصادی بر فضای کسب‌وکار برای دو گروه کشورهای منا و اسکاندیناوی طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۰ پرداخته می‌شود. به همین منظور در ابتدا به معرفی مدل داده‌های تابلویی پرداخته می‌شود. داده‌های تابلویی به مجموعه داده‌هایی گفته می‌شود که بر اساس آن مشاهدات به وسیله تعدادی از متغیرهای مقطعی (i) در طول یک دوره زمانی (t) مشخص، مورد بررسی قرار گرفته باشند. در این پژوهش از شاخص کسب‌وکار (DB) به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. شاخص مقاومت اقتصادی (ER) طبق الگوی بریگوگلیو طراحی شده که از دو بخش شاخص آسیب‌پذیری و شاخص تاب‌آوری تشکیل شده که در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود. رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، رشد تولید سرانه (GDPP)، نرخ تورم (INF) به عنوان متغیر توضیحی استفاده گردیده است. به عبارت دیگر با وجود سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور به دنبال آن رشد تولید داخلی در پی خواهد داشت و نتیجه مثبت آن کمک به کاهش

تورم خواهد بود. به این ترتیب این عوامل شرایط امن و مساعد را برای کسب و کار جدید و رونق کسب و کارها را فراهم می کند که باعث بهبود فضای کسب و کار شده و سطح مقاومت اقتصادی افزایش خواهد شد. به طوری که شاخص های مقاومت اقتصادی و ارتباط آن ها را با محیط کسب و کار بدین صورت می توان تفسیر کرد؛ شاخص حکمرانی خوب از زیر شاخص های ۱- انتقاد و پاسخ گویی؛ ۲- ثبات سیاسی و فقدان خشونت؛ ۳- کارآمدی دولت؛ ۴- کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات؛ ۵- حاکمیت قانون و ۶- کنترل فساد تشکیل شده است (Damankeshideh, 2012: 77). با توجه به شاخص های حکمرانی خوب مشخص است که هر چه شاخص های فوق شرایط مناسب تری داشته باشند، شاخص کسب و کار نیز بهبود می یابد. شاخص آزادی اقتصادی که شامل شاخص های آزادی؛ کسب و کار، تجاری، پولی، مالی و سرمایه گذاری است که با برقراری آزادی اقتصادی باعث ایجاد و رونق کسب و کارها می شود. شاخص فلاکت اقتصادی حاصل جمع تورم و بیکاری حاصل است. در صورت کاهش بیکاری و تورم در کشور، هزینه های تولید کاهش و موجب افزایش تولید و مساعد شدن محیط کسب و کار می شود. همچنین با کاهش مخارج مصرفی دولت و صرف هزینه ها در جهت برنامه های عمرانی، افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، افزایش نیروی فعال و مؤثر باعث افزایش مشارکت آحاد کشور در فعالیت های اقتصادی و افزایش کارآفرینی و مساعد شدن کسب و کار می شود. در ادامه می توان گفت، با کاهش کسری بودجه، کاهش بدهی خارجی دولت، تعادل تراز پرداخت ها به تقویت منابع مالی دولت کمک می کند که منابع پولی ایجاد شده را صرف زیرساخت ها و بخش تولید سرمایه گذاری کند که این سرانجام موجب کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری اقتصاد می شود که بیان کننده افزایش سطح مقاومت اقتصادی است. بنابراین با افزایش مقاومت اقتصادی شرایط را برای بهبود کسب و کار ایجاد می کند. با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش های قبل مدل کلی ما در این پژوهش به صورت زیر خواهد بود:

$$DB_{it} = \alpha_0 + \beta_1 ER_{it} + \beta_2 GFCF_{it} + \beta_3 FDI_{it} + \beta_4 GDPP_{it} + \beta_5 INF_{it} + U_{it} \quad (1)$$

طبق مطالب فوق که بیان شد، شاخص مقاومت اقتصادی برگرفته از الگوی بریگو گلیو است که از دو شاخص آسیب پذیری و تاب آوری تشکیل شده است.

آزمون ریشه واحد داده‌های ترکیبی

تجزیه و تحلیل‌ها رگرسیونی بر اساس یک سری فروض بنا شده‌اند که یکی از فرض‌های مهم و تأثیرگذار، مانایی متغیرهای مورد استفاده می‌باشد. در صورت نامانای بودن متغیرها ممکن است با مشکل بزرگی مواجه باشیم که (Granger and Newbold (1974 آن را رگرسیون کاذب نامیده‌اند. برای این منظور از آزمون مانایی Levin Lin and chum (1998 داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود.

برای کشورهای منا، کل متغیرها جز شاخص کسب‌وکار (DB) بر اساس این آزمون، P-Value کمتر از ۰/۰۵ هستند؛ بنابراین کل متغیرهای جز شاخص کسب‌وکار (DB) در سطح، پایا هستند. این بدان معناست که میانگین و واریانس متغیرها جز شاخص کسب‌وکار در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. و سپس این آزمون برای کشورهای اسکانندیناوی بدین صورت است که کل متغیرها جز تورم (INF) و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (GFCF) مانا هستند.

جدول (۱). آزمون مانایی بر اساس رویکرد لوین، لین و چو در سطح برای متغیرهای پژوهش

گروه کشورهای منتخب	متغیر	DB	ER	FDI	GFCF	GDPP	INF
کشورهای اسکانندیناوی	آماره IPS	-۱/۴۱**	-۲/۹۶***	-۸/۰۴***	-۱/۲۱	-۱۳/۰۷***	-۰/۸۱
	نتیجه آزمون	I ₀	I ₀	I ₀	I ₁	I ₀	I ₁
کشورهای منا	آماره IPS	-۱/۲۳	-۱۴/۵۷***	-۱۰/۸۶***	-۴/۹۹***	-۱۲/۵۷***	-۳/۱۲***
	نتیجه آزمون	I ₁	I ₀	I ₀	I ₀	I ₀	I ₀

مأخذ: محاسبات تحقیق

نکته: *، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد برخی از متغیرها مانا و برخی نامانای هستند. بنابراین با توجه به نتایج آزمون مانایی می‌توان مدل خود توضیح برداری با وقفه‌های

گسترده (ARDL) را به عنوان مدل مناسب جهت بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر فضای کسب و کار انتخاب نمود.

در ادامه به منظور بررسی درجه همبستگی بین متغیرها، آزمون همبستگی در جداول (۲) و (۳) به ترتیب برای کشورهای اسکانندیناوی و منا انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که درجه همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی بالا نیست و لذا می‌توان گفت هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی وجود ندارد.

جدول (۲). همبستگی بین متغیرها کشورهای اسکانندیناوی

	INF	GDPP	GFCF	FDI	ER	DB
INF	۱	-	-	-	-	-
GDPP	۰/۴۶	۱	-	-	-	-
GFCF	-۰/۶۰	۰/۵۸	۱	-	-	-
FDI	-۰/۴۹	۰/۲۹	۰/۴۲	۱	-	-
ER	-۰/۲۵	-۰/۳۴	-۰/۴۷	-۰/۱۸	۱	-
DB	-۰/۱۲	-۰/۲۵	-۰/۶۰	-۰/۴۹	۰/۴۶	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول (۳). همبستگی بین متغیرها کشورهای منا

	INF	GDPP	GFCF	FDI	ER	DB
INF	۱	-	-	-	-	-
GDPP	-۰/۲۹	۱	-	-	-	-
GFCF	-۰/۲۲	۰/۰۱	۱	-	-	-
FDI	-۰/۲۵	۰/۰۴	۰/۰۶	۱	-	-
ER	-۰/۴۵	۰/۱۴	-۰/۰۰۸	۰/۳۱	۱	-
DB	-۰/۲۴	۰/۱۲	-۰/۰۴	۰/۵۵	۰/۶۰	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

در ادامه در جدول (۴) نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو گزارش شده است. بر اساس نتایج هم‌انباشتگی وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل در کشورهای اسکانندیناوی و منا، بر اساس آماره‌های دیکی فولر اصلاح شده، دیکی فولر و دیکی-فولر تعمیم یافته پذیرفته می‌شود.

جدول (۴). نتایج آزمون هم انباشتگی پدرونی

کشورهای اسکاندیناوی	کشورهای منا	آماره/آزمون/کشور
آزمون کائو		
۲/۳۳ (۰/۰۰)	-۲/۹۷ (۰/۰۰)	آماره دیکی فولر اصلاح شده
۱/۴۵ (۰/۰۷)	-۱/۵۹ (۰/۰۵)	آماره دیکی فولر
۲/۲۱ (۰/۰۱)	-۱/۹۹ (۰/۰۲)	آماره دیکی-فولر تعمیم یافته

مأخذ: محاسبات تحقیق

نکته: مقادیر داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال مربوط به آمارهای تحقیق است.

با توجه به رابطه بلندمدت بین متغیرها، مدل تحقیق برای کشورهای اسکاندیناوی و منا با استفاده از روش PMG^1 برآورد می‌شود. نتایج در جدول (۵) گزارش شده است. همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، برآوردهای ضریب تصحیح خطا به‌طور معنی-داری منفی است که دلالت بر رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل دارد. آنچه که در مدل تصحیح خطا مورد توجه است و اهمیت اساسی دارد، ضریب مربوط به ect است که سرعت تعدیل را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود، ضریب تصحیح خطا برای کشورهای اسکاندیناوی و منا به ترتیب معادل $-۰/۶۵$ و $-۰/۶۱$ به دست آمده است که از نظر آماری معنادار است. بنابراین، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل نیز پذیرفته می‌شود. از آنجا که دوره زمانی در این مقاله سالانه است، می‌توان گفت هر ساله $۰/۶۵$ (کشورهای اسکاندیناوی) و $۰/۶۱$ (کشورهای منا) از عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت، برای دستیابی به تعادل بلندمدت تعدیل می‌گردد.

همان‌طور که در جدول ۵ قابل مشاهده است برای کشورهای اسکاندیناوی در کوتاه‌مدت و بلندمدت شاخص مقاومت اقتصادی بر شاخص فضای کسب و کار (DB) تأثیر مثبت و معنادار دارد، اما برای کشورهای منا در کوتاه‌مدت شاخص مقاومت اقتصادی هیچ تأثیر معناداری بر شاخص فضای کسب و کار (DB) ندارد، و در بلندمدت شاخص مقاومت اقتصادی بر شاخص

فضای کسب و کار (DB) تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین در کشورهای مورد نظر به مرور زمان با افزایش مقاومت اقتصادی، فضای کسب و کار بهبود می‌یابد.

جدول (۵). نتایج برآورد مدل به روش PMG در کشورهای اسکاندیناوی و منا

کشورهای منا	کشورهای اسکاندیناوی	مدل / متغیر / کشور	
		متغیر	مدل
ضرایب	ضرایب		
۰/۱۱ (۰/۰۹)	۰/۱۱** (۰/۰۵)	DB(-۱)	برآورد ضرایب بلندمدت
۰/۰۳*** (۰/۰۱)	۰/۰۸*** (۰/۰۳)	ER(-۱)	
۰/۰۸ (۰/۱۱)	۰/۲۱** (۰/۰۱)	GDPP(-۱)	
۰/۰۷*** (۰/۰۲)	-۰/۰۱ (۰/۱۱)	GFCF(-۱)	
۰/۳۳*** (۰/۱۱)	-۰/۰۸ (۰/۱۳)	INF(-۱)	
-۰/۱۵ (۰/۱۱)	۰/۰۳*** (۰/۰۱)	FDI(-۱)	
-۰/۶۱*** (۰/۱۵)	-۰/۶۵*** (۰/۱۲)	ECT	تصحیح خطا
۰/۱۹* (۰/۱۱)	۰/۱۱*** (۰/۰۴)	d(ER)	برآورد ضرایب کوتاه‌مدت
۰/۰۶** (۰/۰۳)	-۰/۰۲ (۰/۰۴)	d(GDPP)	
-۰/۱۶ (۰/۰۹)	-۰/۱۸ (۰/۱۲)	d(GFCF)	
۰/۰۶*** (۰/۰۱)	۰/۰۷*** (۰/۰۲)	d(INF)	
-۰/۱۹ (۰/۱۲)	-۰/۱۳ (۰/۰۹)	d(FDI)	
۲/۳۳*** (۰/۱۱)	۱/۲۲*** (۰/۰۹)	عرض از مبدأ	

نکته: **، * و *** معنی‌داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

اعداد داخل پرانتز نشان دهنده انحراف معیار است.

بر همین اساس می‌توان گفت، که شاخص مقاومت اقتصادی با کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد، زمینه مساعد شدن فضای کسب و کار را فراهم نموده و نقش مهمی در بهبود فضای کسب و کار این کشورها دارد.

نتایج حاکی از این است که برای کشورهای اسکاندیناوی متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF) در کوتاه‌مدت و بلندمدت هیچ تأثیر معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) ندارد. تولید ناخالص داخلی (GDPP) و سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) دارد. در این کشورها با جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و به کارگیری و سوق دادن این سرمایه‌های خارجی به بخش خصوصی باعث افزایش انگیزه بخش خصوصی برای ایجاد و گسترش کسب و کارهای جدید می‌شود. علاوه بر آن افزایش تولید باعث تقویت فضای کسب و کار می‌شود، زیرا هدف این کشورها رسیدن به رشد پایدار با توسعه تولید داخلی در جهت بهبود فضای کسب و کار است. نرخ تورم (INF) در بلندمدت هیچ تأثیر معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) ندارد، اما در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) دارد. افزایش نرخ تورم در نتیجه افزایش نقدینگی در صورتی که به بنگاه‌های زود بازده و کسب و کارهای نوپا اختصاص یابد می‌تواند منجر به بهبود فضای کسب و کار شود.

در ادامه به نتایج حاصل از کشورهای منا پرداخته می‌شود. در این کشورها سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) در کوتاه‌مدت و بلندمدت هیچ تأثیر معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) ندارد، اما تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF) در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) دارد. همچنین با توجه به اینکه تشکیل سرمایه ناخالص داخلی، تأثیر مثبتی بر پیشرفت و ارتقای اقتصاد این کشورها دارد، لذا در این کشورها برای تشکیل سرمایه داخلی، به مقاوم‌سازی اقتصاد توجه زیادی می‌شود. به طوری که نرخ تورم (INF) و تولید ناخالص داخلی (GDPP) در کوتاه‌مدت، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) دارد، اما در بلندمدت هیچ تأثیر معناداری بر شاخص کسب و کار (DB) ندارند. در کوتاه‌مدت، تورم بالا در این کشورها باعث گسترش بخش غیررسمی می‌شود، که با جذب سرمایه داخلی در بخش‌های مولد اقتصادی و مدیریت صحیح آن در جهت بهبود فضای کسب و کار، سبب تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر مقاومت اقتصادی بر فضای کسب و کار با مبنای قرار دادن مدل سیستمی مقاومت اقتصادی بریگوینگلو و همکاران و با به کارگیری روش PMG برای کشورهای اسکاندیناوی و مناطقی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۶ پرداخته شده است. بدین منظور شاخص کسب و کار به عنوان متغیر وابسته و دیگر متغیرها از جمله شاخص مقاومت اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ تورم و رشد تولید سرانه به عنوان متغیرهای توضیحی پژوهش در نظر گرفته می‌شود.

این مقاله ابعاد مختلف تعاریف مقاومت اقتصادی را مورد کنکاش قرار داد و الگوی مقاومت اقتصادی بریگوینگلو و همکاران، که در قالب دو شاخص تاب‌آوری و آسیب‌پذیری مطرح شده است را به عنوان مبنای قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد شاخص مقاومت اقتصادی بر شاخص فضای کسب و کار به غیر از کوتاه‌مدت برای کشورهای اسکاندیناوی، تأثیر مثبت و معنادار دارد. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (GFCF) برای کشورهای اسکاندیناوی بی‌معنا، اما برای کشورهای منا در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص کسب و کار دارد. نرخ تورم (INF) نیز برای دو گروه کشورهای مورد نظر در بلندمدت بی‌معنا و در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت و معنادار دارد. تولید ناخالص داخلی (GDPP) بر شاخص کسب و کار برای دو گروه کشورها در کوتاه‌مدت تأثیر معنادار بر شاخص فضای کسب و کار دارد، اما در بلندمدت برای کشورهای اسکاندیناوی تأثیر مثبت و معنادار، اما برای کشورهای منا هیچ تأثیر معناداری بر شاخص فضای کسب و کار ندارد. سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) برای کشورهای اسکاندیناوی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر فضای کسب و کار دارد، اما برای کشورهای منا، تأثیر معناداری ندارد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش در کشورهای مورد مطالعه لازم است برای بهبود هرچه بیشتر فضای کسب و کار به‌ویژه برای بخش‌های مولد اقتصادی (صنعتی و کشاورزی) موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

- ارتقای تاب‌آوری اقتصاد ملی با ارتقای کارایی نظام مالی دولت و نظام پولی؛
- به کارگیری مؤلفه مقاومت اقتصادی، رویکرد برون‌گرایی با افزایش تنوع کالاهای صادراتی و

- طرف‌های تجاری کشورهای مورد نظر؛
- محوریت ایجاد اشتغال مولد در برنامه‌های اقتصادی؛
 - اخذ مالیات از درآمدهای کلان بخش‌های نامولد؛
 - عدم اتکا به متغیرهای برون‌زا برای تأمین منابع ملی مانند درآمدهای نفتی؛
 - تلاش برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در عین وابسته نکردن کشور به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل ریسک بالای آن؛
 - فرصت‌سازی از تورم در جهت افزایش رونق اقتصادی و کاهش بیکاری با توجه به اثر مثبت تورم بر فضای کسب‌وکار در کوتاه‌مدت؛
 - به‌کارگیری صحیح سرمایه مالی داخلی از طریق بهبود فضای کسب‌وکار؛
 - به‌کارگیری الگوهای مناسب برای افزایش سطح مقاومت اقتصادی کشورهای مورد نظر؛
 - تلاش برای افزایش هزینه در دارایی‌های ثابت، کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، تجهیزات، خانه‌ها و موجودی مواد خام جهت فعال‌سازی بخش مولد اقتصاد.

References

- [1] AbuNouri, E, Lajevardi, H. (2014), "Estimation of the Index of Vulnerability and Economic Resilience by Parametric Method: A Case Study of OPEC Members". *Journal of Applied Economics Theory / Third Year, No. 7*, pp 25-44. In Persian.
- [2] Atkins, J., Mazzi, S., & Easter, C. (2000). A Commonwealth vulnerability index for developing countries. *London: Commonwealth Secretariat, Economic Paper, 40*.
- [3] Bishop, M. L. (2012). The political economy of small states: Enduring vulnerability? *Review of international political economy, 19(5)*, 942-960.
- [4] Batis, S., Angeon, V., & Ainouche, A. (2014). The pentagon of vulnerability and resilience: A methodological proposal in development economics by using graph theory. *Economic Modelling, 42*, 445-453.
- [5] Boorman, J., Fajgenbaum, J., Ferhani, H., Bhaskaran, M., Arnold, D., & Kohli, H. A. (2013). The Centennial resilience index: Measuring countries' resilience to shock. *Global Journal of Emerging Market Economies, 5(2)*, 57-98.
- [6] Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2008). Economic vulnerability and resilience: Concepts and measurements (Research Paper No. 2008/55). *Helsinki, Finland: The United Nations University World Institute for Development Economics Research (UNU-WIDER)*.
- [7] Boudhiaf, M., & Teheni, Z. E. G. (2014). Business regulations and economic

- growth: What can be explained? *International Strategic Management Review*, 2(2), 69-78.
- [8] Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2006). Economic vulnerability and resilience: concepts and measurements. *Oxford development studies*, 37(3), 229-247.
- [9] Blanchard, O., & Katz, L. F. (1992). Regional Evolutions, \$ Brooking Papers on Economic Activity. *Economic Studies Program, the Brookings Institution*, 23(1), 76.
- [10] Bakhtiari, S, A. Shayesteh. (2012). "The Effect of Improving Business Space on Economic Growth in Selected Countries with Emphasis on Iran." *Financial Economics Quarterly* 6(19): 176-204. in persian.
- [11] Boroumand, S. (2008). "Economic Security in Iran and Several Selected Countries (Comparative Study)." Islamic Consultative Assembly Research Center. . in persian.
- [12] Damankeshideh, M,S. Khodabakhsh Zadeh (2012). "The Impact of Business Regulations and Foreign Direct Investment on Economic Growth in 77G Countries." *Financial Economics 1*: 81-109. in persian.
- [13] Davari, A, Ahmadpourdariani, M, ramezan Pourrangasi, Q, (2014). "Major policies affecting entrepreneurship development based on business environment patterns", *Studies on Improvement and Management*, Vol. 20, No. 61, pp. 89-65. in Persian.
- [14] De Soto, H. (2000). *The mystery of capital: Why capitalism triumphs in the West and fails everywhere else*. Basic Civitas Books.
- [15] Escaleras, M., & Chiang, E. P. (2017). Fiscal decentralization and institutional quality on the business environment. *Economics Letters*, 159, 161-163.
- [16] Jamshidi, A, Kazem Naziri, M, Shahabadi, A. (2017)." The Effect of Improving Business Environment on Investment" in Bu-Ali Sina University, Faculty of Economics and Social Sciences.
- [17] Hosseini, S ,M, Fahimifar, F. (2011). "The Role of Developing the Financial System and Improving Business Environment, Economic Growth, Fourth International Conference on the Development of the Financing System in Iran. in Persian.
- [18] Ghyyasvand, A, Ramezani, E. (2014), "Assessment of the Economic Resilience of Iran during the Period of 1375-1393". *Journal of Strategic Studies of Basij*, Eighth Year, No 68, Autumn 2012. in Persian.
- [19] Granger, C. W., & Newbold, P. (1974). Spurious regressions in econometrics. *Journal of econometrics*, 2(2), 111-120.
- [20] Haidar, J. I. (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth. *Journal of the Japanese and international economies*, 26(3), 285-307.

- [21] Lajevardi, H, AbuNouri, E, Besharati, Z.(2015), "Estimation of the Indicator of Economic Resilience in Iran and Providing Improvement Strategies", 1st International Conference on Urban Economics (with Resistance Economics Approach, Action and Practice), May, 1395. in Persian.
- [22] Lotfinia, S. (2012). "The Effect of the Business Space on the Growth of the Selected Developing Countries", University of Applied Sciences, Scientific Section: Management, Economics and Accounting. in persian.
- [23] Lajevardi, Hassan, Abu Nouri, Esmail, Evangelism, Zohre (2015), "Estimating the Indicator of Economic Resilience in Iran and Providing Improvement Strategies", 1st International Conference on Urban Economics (with Resistance Economics Approach, Action and Action), May, 1395.
- [24] Makian, S, N, Emami Meybodi, M, Eshrati, S, Ahmadi, Z.(1392). "Business Space, Growth Strategy; Comparison of Islamic Countries in the MENA Region and the Organization for Development and Economic Cooperation", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, Third Year, No. 11, pp. 84-75. in persian.
- [25] Mahmoud Vaezi(2009), International Journal of International Relations, First Year, No. 1, Spring 2009, pp. 187-155.
- [26] Rose, A. (2007). Economic resilience to natural and man-made disasters: Multidisciplinary origins and contextual dimensions. *Environmental Hazards*, 7(4), 383-398.
- [27] Piqami, A. Soleimani, Y, (2015) "Components of the Socio-Economic Strengthening Pattern of the Islamic Republic of Iran (Case Study of the General Policies of the Supreme Leader)" *Strategic Studies of Basij* "summer of 1395 - No. 71 Scientific-Research, (25 pages - From 5 to 29). in persian.
- [28] Stiglitz, J. E. (2010). *Freefall: America, free markets, and the sinking of the world economy*. WW Norton & Company.
- [29] Shahab, M, R (2012) Investigating the Effect of Business Environment Quality on the Level of Economic Dependence: An Empirical Analysis within the Concept of Resistance Economics. *Proceedings of the National Conference Exploring and Explaining Resistance Economics - March 2011 - University of Guilan*. in persian.
- [30] Simmiet, J., & Martin, R. (2010). The economic resilience of regions: towards an evolutionary approach. *Cambridge journal of regions, economy and society*, 3(1), 27-43.
- [31] Tayebi, S, K, ahra, Zamani, Z , Karimi, N. (2015). "Improving the Business Environment and Growth of the Production of the Economic Sectors of the Country in Post-Sanctioned Conditions", *Proceedings of the Second National Conference on Improving the Business Environment*, pp. 490-463. In Persian.